

۱- طرح مسئله:

هرچند پیش‌های علمی و سیاسی – اجتماعی پس از نوزایی علمی و جنبش اصلاح مذهبی (رفرمیسم) سبب شده است تا مغرب زمین بر مادیّت و عینیت زندگی آدمی تأکید فزاینده‌ای بگذارد، ولی مشی فرهنگی و سیاسی –اجتماعی غرب و یحرائی که در جوامع نوین(مدرن) خودنمایی می کند، نشان از آن دارد که زندگی فردی و جمعی آدمیان افزون بر پایه‌های مادی به ستونهای معنوی دینی نیازمند است.
پیشانی و سرکشگی آدمی دو فرایند گذار از سنت به نوگرایی، خود را در غرب و شرق کمابیش نشان داده است.
دورکهایم ، که در زمره سلسله جنبانان جامعه‌شناسی جدید به شمار می رود، خودکشی را حاصل گسستن آدمی در روزگار جدید از پیوندهای سنتی و برقرار نشدن پیوندهای تازه می‌دانست.

ما نیز به رغم نکوشی که در حق غرب روا می‌داریم که زندگی را به مادیّت فرو کاسته است، البته خود نه حق حوزه مادی و نه ندین حوزه معنوی زندگی را ادا نمی‌کنیم و همچون برخی امور دیگر، حاصل کار ما «شیر بی یال و دم و اشکم» می‌شود که چندان جای تفاخر ندارد.

یک زندگی دلپذیر، به هیچ کدام از ماده و معنا نمی‌تواند بی‌اعتنا باشد اگر آدمی حق امور مادی و نیازهای معنوی را ادا نکرده، دیده است که زندگی «چون کشتی بی‌لنگر، کج می‌شد و میج می‌شد» متأسفانه بشر، امروز از برقراری توازن در زندگی خویش غفلت می‌ورزد و یا آنکه آن را دشوارتر از نسلهای گذشته می‌یابد.
صاحب این قلم به همان اندازه که ایستایی و دشمنی ورزیدن با پویایی حوزه‌های گوناگون زندگی را ناخوش می‌دارد، به همان اندازه این امر را نیز نامیوم می‌یابد که نوگرایی را در بریدن از همه سنت‌ها و یادگارهای گذشته جستجو کنیم.
سنتها، هرچند به بازپیرایی و روزآمد شدن نیازمندند، ولی رشته‌های پیوندی هستند که انسان را از گم کردن راه به دور می‌دارند.

۲- هویت ایرانی:

هویت را به یک تعبیر، می‌توان معنایی دانست که زندگی را از پوچی، بی‌حاصلی، به باروری و احساس زنده بودن می‌رساند.
هویت و فرهنگ، کمابیش معنایی یکسان دارند، و فرهنگ برآیندی است از: باورها، اندیشه‌ها، احساس‌ها، سنتها، یادگارها و یادمانها، همانگونه که نمی‌توان در میانه «اکنون» و «گذشته» زندگی آدمی جدایی افکند، هویت (کتونی) یک فرد یا ملت را نیز نمی‌توان بی‌در نظر داشت گذشته آن فرد یا ملت تعریف نمود.
از این رو، هویت ایرانی، زلال آبی است که از ته مادر چاه، از آن گذشته‌های دور سرچشمه می‌گیرد، و در مصب این کاریز، در امروز زندگی آدمی به سطح می‌آید و خود را نشان می‌دهد.
هویت ایرانی در هر عصر، برآیند همکنشی باورها، اندیشه‌ها، احساس‌ها، سنتها، یادگارها و یادمانهای گذشته با اندیشه‌ها، احساس‌ها و جریانهای عمده روزگار خود بوده است.
نیم‌نگاهی به تاریخ کفایت می‌کند تا دریابیم که ایرانی، با تمدنهای برجسته روزگار خود همچون تمدن هندی، یونانی، اسلامی، غربی و . . . در



تقارن نوروز و عاشورا

دکتر محمد محسن حمیدی عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی – دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

تعامل بوده است.
هویت ایرانی با تاریخ، پیوندی استوار دارد، من تاریخ را برآیند کناکشن میان جغرافیا، دین، فرهنگ، حکومت و مانند آن می‌دانم.
اگر تاریخ ایران را، آنگونه که معمول است، به دو دوره باستان و اسلامی دسته‌بندی کنیم، آنگاه سرچشمه‌های هویت ایرانی را می‌بایست در فرهنگ ایران باستان و فرهنگ اسلامی جستجو کنیم.
این دو سرچشمه، جدا و به موازات یکدیگر در حرکت نبوده‌اند، بلکه در مسیر خویش بسا که در هم درآمیخته‌اند و آبی با طعمی تازه ساخته‌اند.
از این رو، هویت یک ایرانی (مسلمان) با هویت به عنوان مثال یک مصری (مسلمان) متفاوت است.
این البته به معنای نفی اشتراکها نیست.
اینگونه است که یادگارها و یادمان‌های تاریخ باستان تاریخ اسلامی ایران، هر دو در هویت ایرانی امروزین ما در خور اهمیتند.

۳- یادمان‌ها و هویت ایرانی:

اگر هویت ایرانی مهم است، نمادها و شاخصهای آن نیز در خور احترام و اهمیتند.
ملتها، در عرف متداول کنونی جهان نیز، احترام و توهین به نمادهای ملی خود را احترام و توهین به خویشان خویش تلقی می‌کند.
این که در تشریفات سیاسی و مراسم رسمی به پرچم، سرود ملی، شهید گمنام و مانند آن در سراسر جهان، ادای احترام می‌شود، از همین جا سرچشمه می‌گیرد.
هویت، ملیت و دینداری، مفاهیمی هر چند واقعی ولی انتزاعی‌اند، این شاخصها یعنی همین نمادها، یادگارها و یادمان‌ها هستند که آنها را در دیدگان آدمیان واقعی‌تر و گاه دلپذیرتر می‌سازند.
یادمان‌ها، نشانه‌های هویت گذشته ما و رشته‌هایی هستند که ما را با گذشته خویش پیوند می‌دهند، پلهایی هستند که میان اکنون و گذشته هویتی ایرانی،

تقارن نوروز و عاشورا

امکان شد–آمدی را فراهم می‌سازند، آدمی را به یاد معنا و جهت زندگی می‌اندازند، چراغهایی هستند که در گرگ و میش بحرانها و سردرگمی‌ها راه زندگی را نشان می‌دهند، روزگاران نیکنامی، تلاش، مبارزه برای پیروزی آدمیت، آزادی، عدالت و خوشبختی را به یاد می‌آورند، یادمان‌ها، یادآور زیبایی دوستی، نکته سنجی و قله‌های افتخار یک ملتند.

۴ – نوروز:

این که ایرانی، از دیرباز آغاز بهار را جشن می‌گرفته و گرمای



می‌داشته است، نشان از آن دارد که ایرانی، آفرینندگی، شکفتگی، رویش و پویایی را به دیده تکریم می‌نگریسته است.
نوروز، به یاد آدمی می‌آورد که در تکرارملالت بار زندگی و روزمرگی، خوبست چند روزی به خود آید و با آهنگ نو شونذگی طبیعت و باغ و راغ، فصلی نو از دفتر زندگی را نتا آنجا که ممکن است از نو رقم زند.
اسطوره‌هایی که در پیرامون نوروز به ما به یادگار رسیده است، نشان از انگیزه‌ها، شادی‌ها، ریجها و آرزوهای ایرانی دارد.
داستان «میر نوروزی» و این که ایرانی در روزهای آغاز سال نو، کسی را برمی‌گزیده و امر حکومت را

اگر نوروز جلوه گر زنده

شدن طبیعت پس از

خواب و مرگ زمستانی

است، نماد رستاخیز

آدمیان درسرای دیگر

است،عاشورا هشدار

می‌دهد که در هیاهوی

غفلت‌هاوهوسبا

رستاخیز وزندگی

جاودانی را از یاد نبریم

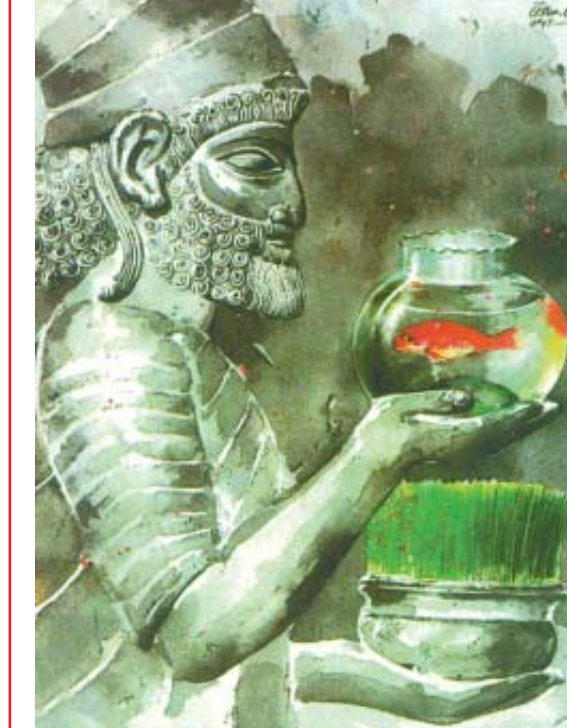
برای مدتی کوتاه به وی می‌سپرده است.
و این که میر نوروزی زندانیان و افراد دربند را آزاد می‌کرده است، نشان از آن دارد که هرچند به گفته حافظ «بیش از پنج روزی نیست حکم میزنوروزی» ولی ایرانی دغدغه آزادی، رهایی، سازگاری، همزیستی، صلح، انساندوستی و مانند آن را هیچ‌گاه از خاطر نبرده است.
آفرینش، رهایی، آزادی و مانند آن ارزشهای عام، جهانشمول و انسانی‌اند و ایرانی هرچند نوروز را به عنوان یک آیین ملی گرمای می‌دارد، ولی از راه همین دلالتهاست که یادمان‌ها و اسطوره‌های قومی وی، او را با ملتهای دیگر پیوند می‌دهد.
و شگفتا که برخی دلالتهای نوروز همچون آفرینندگی و رویش با بنیادی ترین مفاهیم اسلامی همچون معاد نیز در پیوند قرار می‌گیرد.

۵:عاشورا:

این که با گذشت بیش از هزار و سیصد سال از صحنه تاریخی کربلا، یاد و نام آن در خاطره ایرانی پابرجاست، نشان دهنده آنست که عاشورا، یادمان بزرگی در هویت ایرانی است.
عاشورا، یادآور ایستادگی پاکترین بندگان خدا در محیطی که رو به تباهی است، نشانه تلاش برای نگه داشتن دین در راهی که خداوند خواسته است و به دور داشتن آن از درآمیختن با هوی و هوسها و بدل شدن به ابزار فرادستان، به یادآورنده آدمی که زندگی ارزشهایی هست که حتی به بهای ایستادن و جان باختن می‌بایست آنها را پاس داشت و صحنه‌ای است که از این دوردستها هم که به آن می‌نگری، آن را جلسوگاه بهترین ارزشهای انسانی همچون فداکاری، آزادیگی، انسان‌دوستی و صداقت می‌یابی.

۶. نوروز وعاشورا:

نوروز وعاشورا، از چند راه به یکدیگر می‌رسند:
یکی در نسبتی که با بنیادی ترین ارزشهای بشری دارند.
دغدغه آزادی، پویایی، انساندوستی، خلوص، نوشوندگی، پیراستن و مانند آن در زمره این ارزشهای بشری و در نوروز و عاشورا، هر دو، جلوه‌گرند.
اگر نوروز، زندگی را گرمای می‌دارد، عاشورا به خاطر می‌آورد که چنانچه پاک زیستن امکانپذیر نبود، مردانه جان باختن حسن ختامی است بر زندگی.
اگر نوروز که جلوه گر زنده شدن طبیعت پس از خواب مرگی زمستانی است، نماد رستاخیز آدمیان در سرای دیگرست، عاشورا هشدار می‌دهد که در هیاهوی غفلت‌ها و هوسها، رستاخیز و زندگی جاودانی را از یاد نبریم.
بارزترین تقابلی که شاید میان نوروز و عاشورا افکنده شود، اینست که گفته شود:



نوروز موسم شادی وعاشورا هنگامه اندوه است.
ولی زندگی، اگر به راستی زندگی باشد و برپایه پاسداشت ارزشهای انسانی استوار، آمیزه‌ایست از شادی و اندوه، هر دو.
همچنانکه زندگی یکسر شادی، اگر هم دست یافتنی باشد، انسانی نیست، چرا که همواره درجامه بشری واقعیهایی وجود داشته و دارد که انسان راستین نمی‌تواند از دیدن آنها اندوهگین نشود.
به همان گونه زندگی سراسر اندوه هم، زندگی مطلوب انسانی نیست، پس بهتر که پاکترین شادی‌ها و اندوهها آدمی را به خنده وگریه اندازد.
از این چشم‌انداز هم نوروز و عاشورا هر کدام نمایانگر وجهی از یک زندگی ستوده خواهند بود.

این که نوروز و عاشورا (محرم) در روزهایی یکسان فرا رسند البته کار را بر ادا کردن حق هر دو دشوار می‌سازد، اما مگر تنها همین یک نکته است که در زندگی ممکن است آدمی را بادشواری روبرو سازد.
این موضوع بر این می‌ماند که در مثل کسی در چند روز، هم با مرگ عزیزترین بستگان خود روبرو شود و هم چاره‌ای نداشته باشد که یکی دیگر از عزیزان خود را به خانه بخت بفرستد.
این هر دو، برای وی در خور اهمیتند.
و شان هیچ یک نمی‌بایست خدشه‌دار شود.
شاید طبیعی ترین راه آن باشد که یاد هر دو گرمای داشته شود.
از یاد نبریم که آسیب رساندن به شان و جایگاه نوروز یا عاشورا به بهانه هواداری افراطی از یکی از آن دو، در حکم ویران ساختن یکی از ستونهای هویت ایرانی خواهد بود.
ایرانی در گذشته (همچون روزگار صفوی) هوشمندی خود را در پاسداشت نوروز وعاشورا در کنار هم نشان داده است، خرد و پیروی از سنتهای گذشتگان حکم می‌کند که اکنون نیز هر دو را گرمای بدارد.

حجت الاسلام والمسلمین سید عباس قائم مقامی استاد دانشگاه

تفکیک ساختاری و مشروعیتی میان نهادهای

انتخابی و انتصابی خطایی بزرگ است

جمهوریت و اسلامیت گذشته از تعامل کارکردی که با هم دارند هر دو از یک منشأ مشروعیت برخوردارند و آن مشروعیت مردمی است.
حجت الاسلام والمسلمین سید عباس حسینی قائم مقامی مدرس حوزه و دانشگاه در گفت و گو با ایسنا افزود: من معتقدم احکام و آموزه های اسلامی ماهیتی قدسی دارند و بسان سایر حقایق در حقانیت خود هرگز نیازمند آرا و ائزار افراد بشر نیستند یعنی اگر همه مردم رای بر تعطیل اسلام بدهند ذره ای از حقانیت و اصالت آن کاسته نخواهد شد.

وی تأکید کرد: دین واجد حقانیت است حتی اگر اکثریت مخالف آن باشند، اما باید هوشیار بود و میان مشروعیت و حقانیت خلط نکرد، حقانیت در حوزه باور و اندیشه بوده و ماهیتی سابرکتیو دارد اما مشروعیت در عرف سیاسی ماهیتی ابژکتیو داشته و ناظر به عینیت است. وقتی می گوئیم اسلام احکام دینی مشروعیت الهی دارد منظور از این مشروعیت همان حقانیت است یعنی مردم چه بخواهند، چه نخواهند این حقانیت وجود دارد ولی اگر این حقانیت بخواهد الزام حکومتی و اجتماعی پیدا کند، هیچ راهی ندارد جز آنکه از مشروعیت مردمی و مدنی برخوردار شود.
وی معتقد است، تفکیک ساختاری و مشروعیتی میان نهادهای انتخابی و انتصابی نظام یک خطای بزرگ است. در جمهوری اسلامی همه نهادهای از رهبری گرفته تا قوای

سه گانه به شیوه ای مردم سالار و متکی بر آرای مردم شکل می گیرند، هر چند انتخاب آنها به طور غیرمستقیم انجام پذیرد، این شیوه ای معمول در تمام نظام های مردم سالار است. مثلاًدر آمریکا ریاست جمهوری که محور اصلی قدرت است به طور غیر مستقیم انتخاب می شود و جالب اینکه بسیاری از مردم آمریکا از این شیوه انتخاب مطلع نیستند.

وی تأکید کرد: در یک نظام مردم سالار آنچه اهمیت دارد استاندارد به آرای مردم است که تمام نهادهای جمهوری اسلامی، چه آنها که اصلاً انتصابی نامیده می شوند و چه آنها که انتخابی نامیده می شوند از همان آغاز با رای مردم شکل گرفته اند و در یک نظام مردم سالار میان انتخاب مستقیم و غیر مستقیم هیچ تفاوت مشروعیتی وجود ندارد، آنان که

با رای مستقیم مردم برگزیده می شوند حق ندارند خود را برتر از دیگران که با واسطه انتخاب می شوند، بدانند و همچنین آنان که به رای مستقیم مردم نیاز ندارند نباید خود را فراتر از نقد و نظارت و پاسخگویی به مردم بدانند. وی خاطر نشان کرد: همه نهادهای متکی به رای مردم هستند و باید به مردم پاسخگو باشند. قائم مقامی گفت: اگر منظور از حاکمیت دو گانه چند گانه بودن مبادی مشروعیت نظام باشد امر پر خطر و مسئله سازی خواهد بود. اگر مشروعیت نهادهای قدرت از دو منبع مختلف تغذیه و تأمین گردد با اشکالات زیادی مواجه خواهیم شد.

۱- دارندگان نامزد برایه دربندی ویا یکی از دو اعضاء سیدمحمد احمدی با عزت علیرضایی و مهر شرکت معتبر خواهد بود.
۲- دارندگان نامزد برایه دربندی ویا یکی از دو اعضاء سیدمحمد احمدی با عزت علیرضایی و مهر شرکت معتبر خواهند بود.
۳- روزنامه خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید
۴- انحلال شرکت مطابق قانون تجارت و اساسنامه شرکت می باشد
۵- بازرس اصلی و علی البدل خانم محدثه صدوقی بسمت بازرس اصلی و خانم مهوش صباغی بسمت بازرس علی البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.
ش ۵۹۳۳

سیدابراهیم اصفهانی

رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه دو مشهد



که در آرزوی فروپاشی و براندازی نظام جمهوری اسلامی هستند و به نظر می رسد در این میان تمام کسانی که به انقلاب اسلامی و آرمان های آن وفادار هستند، باید با پاسداری از روکن اسلامیت و جمهوریت نظام از استحاله ماهیتی نظام اسلامی جلوگیری کنند و در مقابل این دو جریان افراطی مقاومت نشان بدهند که طبعاً نتیجه آن حفظ اصالتهای

امام خمینی (ره) هیچ گونه اطلاعی ندارد و یا اگر اطلاع دارد به آن اعتقادی ندارد.
قائم مقامی در پاسخ به این پرسش که اگر افراطیون نظریه تفکیک جمهوریت و اسلامیت از نظر خود دست برندارند چه ضرری را متوجه نظام خواهد شد؟ گفت: اگر کسانی به نحوی به حاکمیت دو گانه دامن بزنند طبیعتاً در راستای همان جمهوری اسلامی (حضرت

آگهی تغییرات در شرکت اختر بران توپس سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۳۹۴

طبق صورتحلصه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۰/۱۰/۲۷ شرکت فوق آقایان علی اصغر و غلامرضا شکوری و خانم زهرا خواجه انوری به سمت اعضاء اصلی هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب شدند و آقایان سیدعباس غلامی تابع و حسن احسانی به ترتیب به سمت بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند و روزنامه خراسان جهت درج آگهیهای شرکت تعیین شد و طبق صورتحلصه مورخ ۸۰/۱۰/۲۷ هیئت مدیره شرکت فوق غلامرضا شکوری به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم زهرا خواجه انوری به علی اصغر شکوری به سمت مدیر عامل شرکت انتخاب شدند و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضاء منفرد مدیر عامل به همراه مهر شرکت معتبر است.
ش ۵۹۷۵

رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه دو مشهد

سیدابراهیم اصفهانی

دین واجد حقانیت است حتی اگر اکثریت مخالف آن باشند اما باید هوشیار بود که میان مشروعیت و حقانیت خلط نکرد، حقانیت در حوزه باور و اندیشه است و مشروعیت در عرف سیاسی ماهیتی ابژکتیو داشته و ناظر به عینیت است

و ترویج می کند.
غافل از اینکه اسلام ناب محمدی (ص) که امام خمینی (ره) معلم و منادی آن بود هرگز در قالب و شرایط استبدادی و آزادی ستیزانه امکان ظهور و بروز پیدا نخواهد کرد و آنچه که در فضای استبداد و تحمیل ظهور پیدا می کند قطعاً اسلام نیست.
وی افزود: جریان دیگر متأسفانه روشنفکر مایبانه اسلامیت نظام را نفی می کند و

نظام خواهد بود.
وی گفت: خطری که به طور مشخص نظام و انقلاب را تهدید می کند، خطر استحاله و قلب هویتی است که توسط دو جریانی صورت می گیرد که به ظاهر با یکدیگر در تقابل هستند و این دو جریان فعال در جامعه یکی شریعتمدارانه و دین خواهانه جمهوریت نظام را نفی می کند و خواسته و ناخواسته دیکتاتوری و استبداد را تئوریزه

۱- درخواست استعفاى آقای رضا قزو باغى و ناصر خانى و همچنین عضویت آقای مرتضی جهانگیری در جلسه مطرح و مورد تصویب قرار گرفت در نتیجه تعداد اعضاء شرکت از ۸ نفر به ۷ نفر کاهش یافت.
۲- با توجه به استعفاى آقای رضا قزو باغى نایب رئیس هیئت مدیره، خانم مهری مشکیان عضو علی البدل بسمت نایب رئیس هیئت مدیره برای مدت باقى مانده تعیین شدند.

۳- طرح و تصویب تغییرات بعمل آمده در سرمایه شرکت طی گزارش توسط هیئت مدیره پیشنهاد گردید در نتیجه افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۲۱ سهم به مبلغ ۲۱۷۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۷۰۰ سهم ۳۱۰۰۰۰۰ ریالی با توجه به تراز آزمایشی مورخ ۷۹/۱۲/۳۰ مورد تصویب واقع گردید.
۴- به هیئت مدیره اختیار داده شد در صورت لزوم نسبت به عقد و عقدو اسلامی با بانکها، صندوق تعاون مؤسسات مالی و اعتباری و اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام نمایند.
۵- خانم مریم جهانگیری بسمت عضو علی البدل هیئت مدیره تعیین گردید.
۶- آقای مصطفی جهانگیری بسمت بازرس اصلی و آقای محمدرضا جهانگیری بسمت بازرس علی البدل شرکت انتخاب گردیدند.
۷- حق اضاء کلیه اوراق بهادار و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، براوات و غیره با امضای ثابت آقای حبیبعلی شیرازیان و آقای علیرضا مشکیان متفقاً همراه با مهر شرکت خواهد بود و نامه های عادى با امضای علیرضا مشکیان همراه با مهر شرکت خواهد بود.
ش ۵۹۷۳

باقر مرتضوی علوی

رئیس ثبت اسناد نیشابور

قائم مقامی در توجیه دیگری از حاکمیت دوگانه، گفت: اگر منظور از حاکمیت دو گانه تأثیر پذیری نهادهای اصلی و تصمیم گیر حکومت از انگیزه‌ها و اراده های متفاوت و چند گانه باشد، در این صورت تردیدی وجود ندارد که نظام سیاسی با بحران کارکردی و پدیدینه براندازی از درون دست به گریبان خواهد شد، زیرا براندازی و تغییر رژیم سیاسی چیزی جز تغییر در ساخت قدرت و جایگزینی اراده سیاسی متفاوت نیست، حال اگر حاکمیت بر اراده دو گانه یا چند گانه مبتنی باشد، هر کدام از این اراده‌ها منشاء بروز کارکردها و تصمیم‌های متضادوتی می‌شوند که با یکدیگر در تعارض هستند و این همان خطر شکایت در حاکمیت است. وی افزود: اساساً حاکمیت

آگهی تاسیس شرکت تاکسی تلفنی یاران تابیاد (سهامی خاص)

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه منفرد فوق که در تاریخ ۷۹/۶/۳۱ تحت شماره ۱۷۵ در این دایره به ثبت رسیده برای اطلاع عموم آگهی می‌شود:

۱- موضوع شرکت: حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری نمایندگی از طرف شهرداری تابیاد جهت ارائه سروسهای معین شده در پروانه بهره برداری
۲- موسسین شرکت: آقایان جمشید استادزاده منوچهر سلیمانی رودی و محمد ناصر بیابانی
۳- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت ۵ سال خورشیدی
۴- مرکز اصلی شرکت: تابیاد- خیابان مولانا غربی، جنب کاینیت سازی یحیایی
۵- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰۰ ریالی بنام که مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ۴۱۵۴ مورخه ۷۹/۶/۲۹ بانک ملی ایران شعبه تابیاد پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام میباشد که در مدت یک سال باید به شرکت پرداخت نمایند.
۶- اولین مدیران شرکت: آقایان منوچهر سلیمانی رودی و جمشید استاد زاده رودی و محمد ناصر بیابانی بسمت اعضاء اصلی هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند که آقای منوچهر سلیمانی رودی به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمد ناصر بیابانی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای جمشید استادزاده رودی به سمت مدیر عامل شرکت انتخاب شدند
۷- دارندگان حق امضاء: حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور و رسمی و بانکی با امضاء منفرد آقای جمشید استادزاده رودی و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۸- اساسنامه شرکت در ۶۳ ماده و ۵ تبصره به تصویب رسیده است.
۹- روزنامه خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
۱۰- انحلال شرکت مطابق قانون تجارت و اساسنامه شرکت میباشد.
۱۱- بازرس اصلی و علی البدل: آقای فرهاد نظام الدینی بسمت بازرس اصلی و آقای محمود جهانی بسمت بازرس علی البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب گردید. ش ۵۹۷۱

رئیس ثبت اسناد تابیاد – سلیمانی